

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و الهیات

بخش معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش

حقوق جزا و جرم شناسی

ختنه‌ی زنان در ایران و ضرورت حمایت‌های کیفری در قبال آن

مؤلف :

ندا مقدمی

استاد راهنما :

دکتر علی غلامی

استاد مشاور :

دکتر حسن مرادزاده

شهریور ماه ۱۳۹۲

تقدیم به

به تمام زنانی که خداوند آنها را برای آرامش بشریت آفرید؛

مادرم

که شوق زن بودن و زن زیستن را به من آموخت؛

پدرم

برای همه خوبی هایش؛

برادرانم

که شوق کودکی ام تا اشتیاق جوانی ام با آنان تجربه شد؛

و همسرم

برای آنکه زیبا اندیشیدن و نیک منشی را در من تکرار نمود.

با سپاس از

جناب آقای دکتر علی غلامی که بزرگمنشانه زحمت راهنمایی این پژوهش را تقبل نموده و

با راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود اینجانب را در تدوین و نگارش آن یاری نمودند.

جناب آقای دکتر حسن مراد زاده که در طول نگارش این پژوهش از هیچ کمک و

راهنمایی دریغ نورزیده و همواره مساعدت‌های لازم را نموده‌اند.

جناب آقای دکتر حمید بهرامی احمدی که سخاوتمندانه هر آنچه را که داشتند در

خاطرمان به یادگار نهادند.

حجه الاسلام جناب آقای حسن نورالهی مدرس حوزه و دانشگاه که نگارش، تبیین و

تحلیل منابع فقهی و اسلامی با راهنمایی ایشان صورت گرفت.

و **اساتید بزرگواری** که در طول هفت سال به من آموختند شجاعت دانستن و عظمت رسیدن را.

چکیده

حقوق بشر و آزادی‌های اساسی جزئی از حقوق مسلم انسان‌ها، اعم از مردان و زنان است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت بشری صاحبان اصلی حقوقی هستند، که تحت عنوان «حقوق بشر زنان» از آن نام برده می‌شود. با این حال این حقوق در بسیاری از موارد مورد تضییع و تعدی قرار می‌گیرند. خشونت علیه زنان یکی از موارد جدی نقض حقوق بشر در مقیاس جهانی است و زنان به عنوان قربانیان اصلی خشونت، انواع گوناگون آن را در سراسر زندگی خود تجربه می‌کنند. ختنه‌ی زنان رسمی است فرهنگی، که در نتیجه‌ی انجام برخی از انواع آن، صدمات جبران ناپذیری بر تمامیت جسمانی زنان وارد می‌آید که ناقض حقوق انسانی آنان می‌باشد و از این حیث یکی از اشکال خشونت علیه زنان است.

ایران یکی از کشورهای است که این رسم در بخش‌هایی از آن رواج دارد و از آنجا که رسالت مهم حقوق کیفری پاسداری از ارزش‌های والای جامعه است، انتظار می‌رود در حقوق کیفری ایران به جهت کاهش شیوع این عمل و احقاق حقوق بزه‌دیدگان آن، حمایت‌های کیفری مؤثری صورت پذیرد. با این حال به دلیل وجود نگرش‌های مثبت فقه به مسأله‌ی ختنه‌ی زنان و باورهای عمیق فرهنگی در ارتباط با این رسم، این مهم هنوز محقق نشده و نهادهای حمایتی، به ویژه حقوق کیفری، تدابیر و تمهیدات قانونی لازم را در قبال مصادیق و حالات زیانبار این رسم اتخاذ ننموده‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق زنان، ختنه‌ی زنان، قطع آلت تناسلی زنان، خشونت علیه زنان، حقوق کیفری، حمایت‌های کیفری، حمایت‌های کیفری افتراقی، جرم انگاری حمایتی، کیفر انگاری حمایتی.

فهرست اجمالی مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: بررسی وضعیت حقوق زنان ختنه شده در حقوق	۱۷
فصل اول: آثار محتمل بر ختنه‌ی زنان و تدابیر مرتبط در حقوق کیفری ایران در قبال آن.....	۱۹
فصل دوم: تبیین ریشه‌های خلاء قانونی موجود در ارتباط با ختنه‌ی زنان.....	۴۵
بخش دوم: ضرورت حمایت کیفری از بزهدیدگان ختنه شده.....	۶۴
فصل اول: بررسی موارد محتمل تحت شمول حمایت‌های کیفری.....	۶۸
فصل دوم: تدابیر و تمهیدات حقوق کیفری در صیانت از حقوق بزهدیدگان ختنه شده.....	۸۵
نتیجه‌گیری و پیشنهادات.....	۱۲۸
پیوست‌ها.....	۱۳۲
منابع و مأخذ.....	۱۴۱

فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: بررسی وضعیت حقوق زنان ختنه شده در حقوق	۱۷
فصل اول: آثار محتمل بر ختنه‌ی زنان و تدابیر مرتبط در حقوق	۱۹
مبحث نخست: صدمات مستقیم وارده بر تمامیت جسمانی زنان، قطع و نقص عضو	۲۰
گفتار اول: حق زنان برای حفظ حیات و سلامت جسمی و روحی	۲۲
قسمت اول: نقض حق حیات	۲۲
قسمت دوم: نقض حق سلامت جسمی و روحی	۲۴
بند الف_ عوارض مادی و جسمی	۲۵
۱- عوارض کوتاه مدت	۲۵
۲- عوارض بلند مدت	۲۶
بند ب_ عوارض معنوی و روحی	۲۷
گفتار دوم: مواضع قانونگذار کیفری در قبال جنایت بر عضو ناشی از عمل ختنه	۲۸
قسمت اول: قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱	۲۹
قسمت دوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۳۰
قسمت سوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲	۳۳
مبحث دوم: صدمات غیر مستقیم وارده بر تمامیت جسمانی زنان، زوال منافع جنسی و تناسلی	۳۴
گفتار اول: حق زنان برای تمتع از حقوق جنسی و تناسلی	۳۵
قسمت اول: نقض حقوق و تمایلات جنسی	۳۶
بند الف_ اختلالات جنسی	۳۶
۱- اختلال انگیختگی جنسی	۳۷
۲- اختلال اُرگاسمی در زن	۳۷
۳- اختلال درد جنسی	۳۷
۴- اختلال میل جنسی کم کار	۳۷
بند ب_ پیامدهای سؤ اجتماعی	۳۸
۱- چند همسری یا تعدد زوجات	۳۸
۲- طلاق	۳۹

۳۹	۳-برقراری روابط نامشروع جنسی.....
۳۹	۴-خودارضایی.....
۴۰	قسمت دوم: نقض حقوق تناسلی.....
۴۱	گفتار دوم: مواضع قانونگذار کیفری در قبال جنایت بر منافع ناشی از عمل ختنه.....
۴۲	قسمت اول: قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱.....
۴۳	قسمت دوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.....
۴۳	قسمت سوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....
۴۵	فصل دوم: تبیین ریشه‌های خلاء قانونی موجود در ارتباط با ختنه‌ی زنان.....
۴۵	مبحث اول: نگرش فقها نسبت به مسأله‌ی ختنه‌ی زنان.....
۴۶	گفتار اول: دیدگاه علمای اهل سنت در ارتباط با ختنه‌ی زنان.....
۴۶	قسمت اول: وجوب ختنه‌ی زنان و مردان به صورت مساوی.....
۴۸	قسمت دوم: استحباب ختنه‌ی زنان و مردان به صورت مساوی.....
۴۹	قسمت سوم: وجوب ختنه‌ی مردان و استحباب ختنه‌ی زنان.....
۵۰	قسمت چهارم: عدم وجوب یا استحباب ختنه‌ی زنان.....
۵۳	گفتار دوم: دیدگاه علمای شیعه در ارتباط با ختنه‌ی زنان.....
۵۴	قسمت اول: نظرات فقهای پیشین.....
۵۷	قسمت دوم: نظرات فقهای معاصر.....
۵۸	مبحث دوم: وجود ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی مؤید ختنه‌ی زنان.....
۵۹	گفتار اول: شکل‌گیری رسم سنتی ختنه‌ی زنان از طریق نهادینه شدن آن به عنوان یک.....
۶۱	گفتار دوم: تأثیر باورهای فرهنگی در عدم تصویب قوانین کیفری در ارتباط با ختنه‌ی زنان.....
۶۴	بخش دوم: ضرورت حمایت کیفری از بزه‌دیدگان ختنه شده و تعیین.....
۶۸	فصل اول: بررسی موارد محتمل تحت شمول حمایت‌های کیفری.....
۶۹	مبحث اول: تعیین مصادیق حکم استحباب ختنه‌ی زنان در پرتو روایات و نصوص دینی.....
۷۰	گفتار نخست: تبیین صحیح‌هی ابن مسلم از امام صادق (ع).....
۷۰	قسمت اول: عدم تعلق رسم ختنه‌ی زنان به اسلام.....
۷۱	قسمت دوم: عدم حرمت ختنه‌ی زنان.....
۷۱	قسمت سوم: توصیه رسول اکرم (ص) در خصوص گم و کیف ختنه‌ی زنان.....
۷۲	گفتار دوم: تبیین و تطبیق انواع ختنه‌ی زنان با صحیح‌هی ابن مسلم.....

۷۲	قسمت اول: بررسی انواع چهارگانه ختنه‌ی زنان.....
۷۳	بند الف_ نوع اول یا Clitoridectomy.....
۷۳	بند ب_ نوع دوم یا Excision.....
۷۴	بند ج_ نوع سوم یا Infibulation.....
۷۵	بند د_ نوع چهارم یا اعمال مشابه ختنه‌ی زنان.....
۷۵	قسمت دوم: تطبیق انواع ختنه‌ی زنان با صحیح‌ه ابن مسلم.....
۷۶	مبحث دوم: مصادیق نیازمند حمایت کیفری.....
۷۷	گفتار اول: صغر سن فرد ختنه شونده.....
۷۸	گفتار دوم: عدم رعایت موازین قانونی و انسانی.....
۷۹	قسمت اول: عدم مهارت ختنه‌گر در رعایت موازین فنی و علمی در جریان عمل.....
۸۰	بند الف_ مشروع بودن عمل جراحی یا طبی.....
۸۱	بند ب_ رعایت موازین فنی و علمی در جریان عملیات طبی یا جراحی.....
۸۲	قسمت دوم: عدم کسب رضایت از شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی او.....
۸۳	قسمت سوم: عدم آگاه‌سازی فرد ختنه شده و حسب مورد فریفتن وی.....
۸۵	فصل دوم: تدابیر و تمهیدات حقوق کیفری در صیانت از
۸۷	مبحث اول: حمایت‌های کیفری از رهگذر وضع قوانین جزایی و تعیین حدود.....
۸۸	گفتار اول: وضع قوانین کیفری و ضمانت اجرای عدم رعایت آنها.....
۸۸	قسمت اول: ضرورت جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب.....
۸۹	بند الف_ پدیده‌ی مجرمانه: جرم.....
۹۱	بند ب_ ضمانت اجرای کیفری.....
۹۱	۱- مجازات‌ها.....
۹۳	۲- اقدامات تأمینی و تربیتی.....
۹۳	قسمت دوم: نمونه‌هایی از قوانین کیفری برخی از کشورها در قبال ختنه‌ی زنان.....
۹۴	بند الف_ کشورهای آفریقایی.....
۹۴	۱- مصر.....
۹۵	۲- بورکینافاسو.....
۹۵	۳- گینه.....
۹۵	۴- غنا.....

- بند ب_ کشورهای اروپایی..... ۹۶
- ۱-فرانسه..... ۹۶
- ۲-انگلیس..... ۹۷
- ۳-سوئد..... ۹۷
- بند ج_ کشورهای آمریکایی..... ۹۸
- ۱-کانادا..... ۹۸
- ۲-برخی از ایالات متحده آمریکا..... ۹۸
- گفتار دوم: مسئولیت کیفری مرتکبین و آثار ناشی از آن..... ۹۹
- قسمت اول: مسئولیت کیفری مرتکبین (مباشر و شریک)..... ۱۰۱
- بند الف_ مسئولیت کیفری مباشر..... ۱۰۲
- ۱-مسئولیت کیفری پزشک..... ۱۰۳
- ۲-مسئولیت کیفری افراد غیر پزشک..... ۱۰۶
- بند ب_ مسئولیت کیفری شریک..... ۱۰۶
- ۱-شرایط تحقق شرکت در جرم..... ۱۰۷
- ۲-مجازات شرکت در جرم..... ۱۰۷
- قسمت دوم: آثار مسئولیت کیفری در پرتو داده های جرم شناسی..... ۱۰۸
- بند الف_ تأثیر دیدگاه عینی مجازات بر آثار مسئولیت کیفری..... ۱۰۹
- بند ب_ تأثیر دیدگاه شخصی مجازات بر آثار مسئولیت کیفری..... ۱۱۰
- مبحث دوم: حمایت های کیفری از رهگذر جرم انگاری حمایتی..... ۱۱۱
- گفتار اول: حمایت های کیفری افتراقی با رویکردی به قانون حمایت از کودکان و..... ۱۱۳
- قسمت اول: بررسی اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک در ارتباط با ختنه..... ۱۱۵
- بند الف_ اصل عدم تبعیض..... ۱۱۶
- بند ب_ اصل رعایت منافع کودکان..... ۱۱۷
- بند ج_ اصل حق حیات و رشد مناسب..... ۱۱۷
- بند د_ اصل مشارکت و احترام به عقاید و نظر کودک..... ۱۱۸
- قسمت دوم: جایگاه حقوق کودکان ختنه شده در قانون حمایت از..... ۱۱۸
- بند الف_ بررسی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان..... ۱۱۹
- ۱-افراد تحت حمایت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱..... ۱۱۹

- ۲- ممنوعیت کلیه‌ی اشکال خشونت علیه کودکان و ضمانت اجرای عدم رعایت آن..... ۱۱۹
- ۳- جنبه‌ی عمومی جرائم..... ۱۲۰
- ۴- استثنائات وارده بر ماده‌ی ۲..... ۱۲۰
- بند ب_ اشکالات وارده بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱..... ۱۲۰
- ۱- عدم ارائه‌ی تعریف دقیقی از مفهوم کودک..... ۱۲۱
- ۲- مغایرت ماده ۷ با ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک..... ۱۲۱
- ۳- عدم حمایت از کودکان در معرض خطر..... ۱۲۲
- گفتار دوم: حمایت های کیفری در پرتو کیفر انگاری حمایتی..... ۱۲۳
- قسمت اول: حمایت های کیفری تشدیدى..... ۱۲۴
- بند الف_ کیفیات مشدده عینی..... ۱۲۴
- بند ب_ کیفیات مشدده شخصی..... ۱۲۴
- قسمت دوم: حمایت های کیفری دنباله دار..... ۱۲۵
- بند الف_ مجازات های اصلی..... ۱۲۵
- بند ب_ مجازات های تکمیلی (تتمیمی)..... ۱۲۶
- بند ج_ مجازات های تبعی..... ۱۲۶
- نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۱۲۸
- پیوست ها..... ۱۳۲
- پیوست اول: داده های آماری..... ۱۳۳
- پیوست دوم: استفتائات..... ۱۳۷
- منابع و مآخذ..... ۱۴۱
- الف- کتاب ها..... ۱۴۱
- ب- مقالات..... ۱۴۹
- ج- پایان نامه ها..... ۱۵۱
- د- تفریرات..... ۱۵۱
- ح- سایت ها و خبرگزاری ها..... ۱۵۱

اصطلاح «حقوق بشر»^۱ از پیشینه‌ای به قدمت تاریخ حیات بشری برخوردار است. نخستین نشانه‌های آن در قانون حمورابی پادشاه بابل در سال‌های (۱۶۵۸-۱۷۳۰ ق.م) دیده می‌شود. پس از قانون حمورابی متون دیگری از جمله منشور کوروش کبیر (قرن ۶ قبل از ق.م)، الواح دوازده گانه رومی‌ها (حدود ۴۵۰ سال ق.م) و اسناد مهمی از جمله اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه^۲ در زمینه‌ی حقوق بشر تنظیم شد، اما هسته‌ی اصلی حقوق بشر یا به عبارت دیگر ماهیت جوهری حقوق بشر از هنگام اتفاقات و فجایع تکان دهنده‌ی جنگ جهانی دوم به وجود آمد و از این زمان به بعد بود که نیاز جدی به تدوین قوانین حقوق بشر احساس شد. پس از آن کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها و قوانین متعددی در زمینه‌های گوناگونی از جمله حقوق زنان، کودکان، مقابله با تبعیض نژادی، منع شکنجه و... از سوی تابعان حقوق بین‌الملل (سازمان‌های بین‌المللی و کشورها^۳) تدوین و به تصویب رسید.^۴

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، آیینی تمام‌نمای توافقی جهانی در مورد حقوق انسانی است که همه‌ی افراد بشر در زمینه‌ی مسائلی چون امنیت شخصی، آزادی بیان و عقیده، امنیت اجتماعی، کار، بهداشت، زندگی و حیات سالم و حقوقی از این دست، به یک نسبت برابر از آنها برخوردارند. در ماده‌ی «۲»^۵ این اعلامیه

^۱ -Human Rights

^۲ - «Universal Declaration of Human Rights and the French citizen» سند اساسی انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه است که به حقوق فردی و جمعی تمام طبقات اشاره دارد. اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه مشتمل بر ۱۷ ماده و آمیزه‌ای از ملاحظات مربوط به فرد و ملت است. در این اعلامیه آمده است که «هدف هر جامعه سیاسی حفظ طبیعی و زوال ناپذیر افراد می‌باشد. این حقوق عبارتند از آزادی، مالکیت، امنیت، منزلت انسانها، آزادی عقیده و بیان افکار و عقاید، حاکمیت ذاتی ملت بر تعیین سرنوشت سیاسی و اداری و هزینه‌های مالی و بودجه‌ای خود، حاکمیت قانون مبتنی بر اراده مردم، امنیت قضایی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در اعلامیه مذکور برای افراد پیش‌بینی شده است.»

^۳ - برای مطالعه بیشتر رک:

-ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و ششم، تهران، ۱۳۸۵، صص ۱۹۹-۲۷۲.

^۴ -ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره‌ی جدید، نشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱، صص ۳۷-۴۰.

^۵ -ماده ۲) «هر کس بدون هیچ تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، باور سیاسی یا هر باور دیگری، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، ولادت یا هر موقعیت دیگری از حقوق و آزادی‌هایی که در این اعلامیه برشمرده شده است، برخوردار است...».

به صراحت بیان شده که این حقوق انسانی شامل همه‌ی افراد به یک اندازه می‌شود.^۱ زنان به عنوان نیمی از جمعیت بشری صاحبان اصلی حقوقی هستند که ما امروزه آنها را تحت عنوان «حقوق بشر زنان» می‌شناسیم. احترام به حقوق زنان به عنوان حقوق بشر نیازمند این تصدیق ساده است که زنان نه تنها به خاطر اینکه باید با مردان برابر باشند، شایسته‌ی بهره‌مندی از حقوق بشرند، بلکه به این خاطر که آنها انسان هستند، سزاوار بهره‌مندی از این حقوق اند. قرن‌ها و سال‌هاست که از تفکرات ابتدایی نسبت به زنان فاصله گرفته ایم و زنان را به عنوان انسان‌هایی کامل برای تمتع از حقوق انسانی شان ذی‌حق می‌دانیم.

حقوق بشر زنان، حقوقی بنیادین و انتقال‌ناپذیر است که به جهت حمایت از زنان در رفع هرگونه تبعیضی نسبت به مردان، به رسمیت شناخته می‌شوند. علی‌رغم اینکه از زمان تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۲ در سال ۱۹۴۸ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، حقوق بشر انسان‌ها مورد توجه ویژه‌ی جهانیان قرار گرفت، لیکن فعالیت‌های حقوق بشری در زمینه‌ی احقاق حقوق زنان از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد آغاز شد و زنان سراسر جهان در ائتلاف‌ها، جلسات و سمینارهای زیادی گرد هم آمدند تا درباره‌ی مسائلی که مانع از دستیابی زنان به حقوق برابر با مردان می‌شود، نظیر خشونت، تبعیض و نابرابری، اقدام و ایجاد آگاهی کنند.^۳

عبارت «حقوق زنان، حقوق بشر است»، در دهه‌ی ۱۹۹۰ به صورت یک شعار وحدت بخش مهم برای زنان سراسر جهان در آمده است. این جمله هم مبین عزم راسخ زنان برای مطالبه‌ی حقوق انسانی‌شان به عنوان نیمی از بشریت و هم نشان دهنده‌ی خشم آنان است، از اینکه چرا چنین بیان بدیهی و آشکاری برای کسب پذیرش جهانی این همه وقت گرفته است و چرا پس از گذشت قرن‌ها و سال‌ها هنوز هم در معرض خشونت^۴ و تبعیض^۵ قرار می‌گیرند.

خشونت علیه زنان^۶ یکی از موارد جدی نقض حقوق بشر آنان است که در نتیجه‌ی نوعی تبعیض بر مبنای جنسیت علیه زنان اعمال می‌گردد. خشونت علیه زنان به هیچ وجه خاص جوامع عقب افتاده یا جوامع مسلمان نیست. در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز زنان و کودکان از تبعات

^۱ -قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد اول، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸، صفحه ۲۰۷.

^۲ - Universal Declaration of Human Rights

^۳ -ان. هار، رابین، «نمای کلی حقوق بشر زنان»، قابل برداشت از سایت: www.iipdigital.usembassy.gov آخرین تاریخ مراجعه ۱۳۹۲/۲/۱۰.

^۴-Violence

^۵- Discrimination

^۶-Violence against women

و عوارض ناشی از خشونت به خصوص در زندگی خانوادگی رنج می برند و آزارهای جسمی، جنسی و روانی، نه تنها تندرستی بلکه سلامت عقل و تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می اندازد.^۱

اگر چه اساساً خشونت علیه زنان مفهومی نسبی است و در هر محیطی مفهوم خاص پیدا می کند، به گونه ای که برخی رفتارها در یک جامعه مشروع و مورد حمایت قانون هستند، در حالی که در جامعه دیگری مرتکبین چنین رفتارهایی باید به عنوان مسئول پاسخگو باشند. با این حال ارائه ی یک تعریف جامع در این مقوله و تطبیق برخی از رفتارهای ناقض حقوق بشر با مفهوم خشونت علیه زنان امکان پذیر است.^۲

در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار جامعه ی بین المللی حقوق بشر رسماً خشونت علیه زنان را حتی در زندگی خصوصی خانواده ها به عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت. در طول سال ۱۹۹۳ در «کنفرانس جهانی حقوق بشر وین»، حقوق زنان و دختران به عنوان جزء لاینفک حقوق بشر اعلام شد و همه ی اشکال خشونت اعم از جسمی، جنسی و روانی مغایر با کرامت و حرمت انسانی شناخته شد.^۳

نخستین سند حقوقی بین المللی که به طور ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف قرار داد، «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان»^۴ است، که در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی عمومی به تصویب سازمان ملل متحد رسید. در ماده ی یک این اعلامیه خشونت علیه زنان عبارت است از: «هرگونه عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت که سبب بروز آسیب های جسمانی،

^۱ - کار، مهر انگیز، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

^۲ - هزاره یی، محمد رضا، «معناشناسی خشونت»، کتاب زنان «فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان»، شماره ۲۳، سال ششم، بهار ۱۳۸۳، صفحه ۱۶.

- برای مطالعه بیشتر رک:

- اسدی، لیلا، «مهاری خشونت های خانگی؛ از قانون تا اخلاق»، کتاب زنان «فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان» شماره ۲۳، سال ششم، بهار ۱۳۸۳، صص ۲۲۲-۲۲۳.

- محمدی، مرتضی، «تمکین؛ قدرت زنان یا خشونت مردان»، کتاب زنان «فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان» شماره ۲۳، سال ششم، بهار ۱۳۸۳، صص ۴۲-۴۳.

^۳ - داور، زهرا، ارزیابی حقوقی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۴.

^۴ - Declaration on the Elimination of Violence against Women

روانی، جنسی، آزار و رنج زنان از جمله تهدید به انجام این اعمال، محرومیت های اجباری یا اختیاری در زندگی عمومی یا خصوصی می گردد.^۱

پس از اعلامیه‌ی رفع خشونت علیه زنان (۱۹۹۳)، کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون آمریکایی پیشگیری، مجازات و امحای خشونت علیه زنان»^۲ یا کنوانسیون «بلم دوپا» در سال ۱۹۹۴ با هدف حذف خشونت مبتنی بر جنسیت، توسط مجمع سازمان کشورهای آمریکایی تصویب و در ۵ مارس ۱۹۹۵ لازم الاجرا شد. این کنوانسیون تنها معاهده‌ی بین المللی با هدف حذف خشونت مبتنی بر جنسیت است.

بر اساس ماده‌ی یک این کنوانسیون «خشونت علیه زنان، هر رفتار یا عملی بر پایه‌ی جنسیت است که منجر به مرگ یا آسیب جسمی، جنسی یا روانی به زنان در حوزه‌ی عمومی یا خصوصی شود».^۳

مشابه همین تعریف در سند پکن^۴ (بند ۱۱۳) نیز آمده است. در این سند «خشونت علیه زنان هر فعل یا رفتار خشونت بار مبتنی بر جنسیت است که به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی، روانی یا جنسی زنان منتهی می گردد».^۵

با توجه به تعاریف فوق و سایر تعاریف دیگر از همین دست می توان گفت: خشونت علیه زنان رفتار هایی مبتنی بر جنسیت هستند که با ایراد آسیب های جسمی، جنسی و روانی منجر به تحقیر زنان، از دست دادن کنترل آنان بر تنظیم روابط شخصی و نقض حقوق بنیادینشان می شوند. لذا این مفهوم شامل طیف وسیعی از رفتارها از سقط انتخابی جنین دختر، سوءاستفاده جسمی و روانی،

^۱ -ریسی، امر آله، «خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن»، کتاب زنان «فصلنامه پژوهش زنان»، شماره ۳، بهار ۱۳۸۱، صص ۴۸-۴۹.

^۲ -Inter-American Convention on the Prevention, Punishment and Eradication of Violence against Women.

^۳ - دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر با همکاری کانون وکلای بین المللی، حقوق بشر در دستگاه قضایی، ترجمه سعید نوری نشاط با همکاری کابک جنیدی و امین روان بد، جلد اول، نشر سازمان دفاع از حقوق قربانیان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸، صص ۱۶۰-۱۶۱.

^۴ -چهارمین کنفرانس جهانی زن از ۴ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد. اهداف این کنفرانس تساوی، توسعه و صلح بود. نتیجه‌ی این کنفرانس تصویب سند پکن (Beijing Declaration and Platform for Action 1995) در ۶ فصل بود. هدف این سند تسریع اجرای استراتژی های آینده نگر برای پیشرفت زنان و حذف کلیه موانع مشارکت فعال در جمیع حیطه های زندگی خصوصی و عمومی از طریق برخورداری از سهمی کامل و برابر در تصمیم گیری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

^۵ -آیت الهی، زهرا، خوشرفتاری با زنان (نفی خشونت علیه زنان)، روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۸۱، صفحه ۱۰.

تجاوز به عنف، و... گرفته تا عدم دسترسی به دارو و غذا، تهیه تصاویر مستهجن از کودک، مزاحمت های تلفنی، ... و به طور کلی هر نوع رفتار ناراحت کننده برای زنان می شود.

زنان انواع گوناگون خشونت را در سر تا سر چرخه ی زندگی خود، از مرحله ی پیش از زایمان (سقط جنین مبتنی بر جنسیت) تا مرحله ی پیری (بد رفتاری با زنان مسن، سوءاستفاده از آنها و...) تجربه می کنند. اینان نه تنها در مراحل مختلف زندگی طعم خشونت را می چشند، بلکه بنا بر طبقه، شغل، نژاد، دین و سایر موقعیت های دیگر به آنحای گوناگون قربانی خشونت می شوند. برای مثال زنان مهاجر به دلیل موقعیت حاشیه نشینی خود آسیب پذیر ترند و از همسران یا کار فرمایان خود خشونت می بینند.

خشونت علیه زنان در طول چرخه ی حیات آنها غالباً از یک الگوی فرهنگی نشأت می گیرد. والدین و رهبران برخی از جوامع دختران و زنان را به نام رسوم فرهنگی مطیع آداب سنتی ای می سازند که با ایراد آسیب بر سلامتشان، حقوق انسانی شان را هم پایمال می کند. دختران و زنان نیز هیچ اختیاری در این امر ندارند یا در حقیقت بدون تأیید و حمایت جامعه نمی توانند از انجام آن جان سالم بدر ببرند.^۱ لذا یکی از مسائلی که در سال های اخیر توجه فعالان حقوق بشر را در حوزه ی حقوق زنان به خود معطوف ساخت، « خشونت های خاص فرهنگی علیه زنان» است که در برخی از جوامع علیه زنان مشروعیت دارند و به عنوان امور عرفی و سنتی اعمال می شوند. این اعمال عمیقاً ریشه در سنت ها، فرهنگ و ساختار جوامع دارند و پیروی و تقلید کورکورانه از این اعمال، بدون آنکه در پی علت آن عملکردها باشند، به گسترش آن دامن می زند.^۲ به بیان دیگر گاهی آداب و رسوم سنتی که در برخی از جوامع وجود دارد موجب خشونت هایی علیه زنان می شود و حقوق انسانی آنان را در خصوص بهره مندی از حیات، سلامتی، تندرستی و... نقض می کنند. رسومی مانند سوزاندن بیوه زنان هندی همراه با جسد شوهرانشان (رسم ساتی)، بستن پای دختران چینی به نشانه ی اِصالت و زیبایی و رسم قطع آلت تناسلی زنان یا ختنه ی زنان (در برخی از حالات و انواع خاص خودش).^۳

^۱ -علاسوند، فریبا، زنان و حقوق برابر (نقد و بررسی کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و سند پکن)، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ اول، تهران، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۸۰.

^۲ - مولاوردی، شهیندخت، کالبد شکافی خشونت علیه زنان، نشر حقوقدان با همکاری دانش نگار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸.

^۳ - سروریان، سید محمد کمال، «خشونت علیه زنان در فرانسه و آمریکا»، کتاب زنان «فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان»، شماره ۲۳، سال ششم، بهار ۱۳۸۳، صص ۳۰۲-۳۰۳.

بند الف ماده ۲ اعلامیه‌ی رفع خشونت علیه زنان، ختنه‌ی زنان را نوعی از خشونت علیه زنان تلقی کرده است:

«خشونت علیه زنان همه‌ی موارد زیر را در برمی‌گیرد، هرچند که موارد خشونت تنها به موارد ذیل محدود نمی‌شود:

الف- خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی در خانواده: شامل کتک زدن، سؤاستفاده جنسی از دختران در محیط خانواده، خشونت‌های مربوط به تهیه‌ی جهیزیه، خشونت در روابط زناشویی، ختنه‌ی دختران و سایر اعمال سنتی خشن و آزار دهنده نسبت به زنان، خشونت توسط کسانی غیر از همسر و خشونت‌های مربوط به استثمار و بهره‌کشی از زنان...»^۱.

ختنه‌ی زنان در مواردی که به عنوان یک رفتار خشونت آمیز انجام می‌شود، به واقع نوعی تبعیض است که به طور جدی زنان را از بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های برابر باز می‌دارد. بین تبعیض نسبت به زنان، خشونت مبتنی بر جنسیت، نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ارتباط نزدیکی وجود دارد. از همین روی یکی از اصول اساسی در حقوق بشر «اصل عدم تبعیض»^۲ است و حاکمیت خود را در تمامی اسناد حقوقی که در جهت احقاق حقوق انسان‌ها به ویژه زنان تدوین و تصویب شده‌اند، حفظ کرده است. این اصل هر گونه تمایز قائل شدن بدون هیچ توجیه منطقی را بین انسان‌ها نپذیرفته و تفاوت‌هایی از جمله سن، رنگ، نژاد، دین، مذهب، قومیت و جنسیت را دلیلی برای تبعیض در حقوق انسان‌ها نمی‌داند.

با توجه به مفهوم اصل عدم تبعیض، تبعیض جنسیتی^۳ برخورد یا عملی است که بر اساس جنسیت افراد، منجر به تحقیر، طرد، خوار شمردن و محروم شدن از حقوق انسانی‌شان می‌شود و در مفهوم وسیع‌تر گرایشی است که برای تکریم یک جنس به تحقیر جنس دیگر می‌پردازد. لذا تبعیض جنسیتی به برخوردهای تبعیض آمیز یا ترجیحی جامعه نسبت به افراد بر اساس جنسیت آنها اطلاق می‌شود. در برابر تبعیض جنسیتی اصلی تحت عنوان «اصل عدم تبعیض جنسیتی»^۴ قرار دارد که تفاوت‌های ناشی از جنسیت افراد را به عنوان توجیهی برای تفاوت گذاشتن بین انسان‌ها نمی‌پذیرد و آن را مبنایی برای عدم برابری در حقوق آنها نمی‌شناسد. این اصل در نگاه کلی به معنای تساوی حقوق زنان و مردان است و با مطرح کردن تساوی حقوق و مسئولیت‌های زنان و

^۱-مشیرزاده، حمیرا، مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، تهران، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۴۶-۱۴۷.

^۲-Principle of non_discrimination.

^۳-Gender_based discrimination.

^۴-Principle of non gender_based discrimination.

مردان سعی در متوازن ساختن این حقوق و مسئولیت‌ها و ریشه‌کنی باورها و اعتقاداتی دارد که مانع دستیابی زنان به حقوق برابر با مردان می‌شود.^۱

با عنایت به مطالب فوق‌ختنه‌ی زنان در برخی از انواع خاص خود، نوعی از تبعیض جنسیتی است که با ماهیتی خشونت‌بار حقوق انسانی زنان را در مورد زندگی، سلامتی، تندرستی، بهداشت، تمایلات جنسی و تناسلی نقض می‌کند و از این حیث نقض آشکار حقوق بشر است و مخالف با اصل عدم تبعیض به ویژه اصل عدم تبعیض جنسیتی می‌باشد. با این حال ارائه‌ی یک تعریف واحد از ماهیت این عمل و نهادن نامی که تمامی این مفهوم را دربرگیرد، دشوار است.

کسانی که این عمل را به عنوان یک رسم اجرا می‌کنند، به فراخور فرهنگ جوامع خود، نام‌های متفاوتی بر آن می‌نهند.^۲ در متون فقهی آن را «خفص^۳ الجواری» می‌نامند، که از آن تحت عنوان «ختنه‌ی زنان» تعبیر می‌شود و در میان عامه‌ی مردم نیز غالباً آنچه که معنای دقیق این عمل را به ذهن آنان متبادر می‌کند، همین اصطلاح «ختنه‌ی زنان» است. در میان فعالان حقوق بشر و جامعه‌ی حقوق بشری، اصطلاحات گوناگونی همچون «ناقص‌سازی جنسی زنان»، «مثله کردن آلت تناسلی زنان» و اصطلاحاتی از این دست کاربرد دارد.

از اواخر دهه ۷۰ میلادی که مبارزه با این عمل در صدر فعالیت‌های جنبش فمینیستی قرار گرفت، اصطلاح «قطع آلت تناسلی زنان»^۴ رواج پیدا کرد و در نوشته‌های علمی و تحقیقاتی محققان نیز غالباً این اصطلاح استعمال و به کار گرفته می‌شود.

سازمان بهداشت جهانی نیز با لحاظ اصطلاح رایج ختنه‌ی زنان یا عمل قطع آلت تناسلی زنان، در سال ۱۹۹۵ از این مفهوم تعریفی ارائه داد: «عمل قطع آلت تناسلی زنان، شامل کلیه‌ی اعمال سنتی است که منجر به قطع تمام یا بخش‌هایی از آلت تناسلی خارجی زنان می‌شود». به عبارت دیگر عمل قطع آلت تناسلی زنان رویه‌ای است که به موجب آن بخش‌های متعددی از آلت تناسلی خارجی زنان که عملکردهای مرتبط با فعالیت جنسی و تناسلی را بر عهده دارند، قطع می‌گردد.^۵

^۱- رضوی، الهام، «حقوق بشر و چالش‌های فمینیسم»، مسائل اساسی حقوق بشر در جهان امروز (مجموعه مقالات کنگره‌ی بررسی مسائل حقوق بشر، تهران ۱۳۸۱)، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳، صص ۱۶۴-۱۶۵.

^۲- برای مثال در بندر کنگ از توابع استان هرمزگان این رسم را «تیغ سنت و فرهنگ» می‌نامند. یا در جاوه‌ی اندونزی و بسیاری از کشورهای آفریقایی تحت عنوان «سنت» از آن یاد می‌شود.

^۳ - خفص در لغت به معنای کاستن است.

^۴ - Female Genital Mutilation

^۵ - کرباسی، آرزو، خشونت علیه دختران در مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

این سازمان پس از ارائه تعریف، در سال ۱۹۹۷ قطع آلت تناسلی زنان را به سه نوع تقسیم کرد اما پس از آن گزارشی منتشر ساخت و این عمل را در چهار نوع قابل تقسیم دانست:

- ۱-نوع اول: برش پوست اطراف کلیتوریس با یا بدون تمام یا بخشی از کلیتوریس.
- ۲-نوع دوم: قطع کلیتوریس همراه با تمام یا بخشی از لب های کوچک .
- ۳-نوع سوم: قطع تمام یا بخشی از آلت تناسلی خارجی، شامل قطع کلیتوریس، لب های کوچک و سطح داخلی لب های بزرگ .
- ۴-نوع چهارم: هرگونه عمل خطرناکی بر آلت تناسلی زنان با هدفی غیر پزشکی.مانند شکافتن و سوراخ کردن دستگاه تناسلی خارجی زنان.^۱

کسانی که خود را پایبند اجرای این رسم می دانند در برابر کسانی که انجام این عمل را مصداق خشونت علیه زنان قلمداد و به عنوان یک رفتار ضد بشر آن را تلقی می کنند، به دلایلی تمسک می جویند که عمده ترین آن، عبارتند از:

- جنسی (برای کنترل یا کم کردن میل جنسی دختران و زنان): اکثریت قریب به اتفاق مدافعان و اجراکنندگان این رسم بر این باورند که عمل ختنه می تواند از تمایلات جنسی دختران کاسته و آن را کنترل کرده و در نتیجه از بکارت دختران^۲ تا فرارسیدن ازدواج آنان محافظت نماید.
- اجتماعی (ورود دختران به مرحله ی زنانگی): شباهت هویت دختران با مادران یک فرآیند عمیقاً ریشه دار است و دختران کوچک به منظور به دست آوردن هویت زنانگی باید شبیه مادرانشان شوند. لذا تحصیل و کسب زنانگی را از نتایج مهم قطع آلت تناسلی زنان می دانند.
- باور های مذهبی (اجرای دستور دینی): بسیاری از کسانی که مبادرت به انجام عمل ختنه می کنند، انجام این رسم را از دستورات دینی و خود را مکلف به انجام آن می دانند.
- باور های بهداشتی و زیبایی شناختی: برخی بر این باورند که وجود کلیتوریس و سایر اعضای که در عمل ختنه قطع می شوند، نه تنها شکل ظاهری این عضو را زشت می سازند، بلکه قدرت تناسلی و باروری زنان را کاهش می دهد و منجر به فوت نوزاد می گردد.^۳

^۱ - قسمت های مختلف آلت تناسلی خارجی و شرح انواع چهار گانه ی ختنه ی زنان در ادامه و حسب مورد در قسمت های متعددی از این پژوهش به تفصیل آمده است.

^۲-Hymen

^۳ -حامد توسلی، سوده، «حقوق بشر و ایران»، قابل دسترسی در سایت: www.kamalmesbahi.blogfa.com، آخرین تاریخ مراجعه ۱۳۹۲/۲/۱۰ .

عمل قطع آلت تناسلی زنان غالباً بر پایه‌ی یکی از اهداف فوق انجام می‌شود و بر خلاف تصور مجریان آن بسیار محتمل است که به ویژه در نوع دوم و سوم، منجر به ایراد آسیب‌های بهداشتی و پزشکی شود. آسیب‌هایی از جمله:

- خونریزی‌های شدید و گاهی غیر قابل کنترل که منجر به مرگ می‌شود.
 - عفونت‌های موضعی و عمومی بدن که اغلب به درمان‌های پزشکی احتیاج دارند.
 - ایجاد جوش‌گاه (اُسکار) در قسمت بریدگی‌ها با طول و گستردگی زیاد.
 - عفونت‌های حاد و مزمن دستگاه تناسلی و ادراری.
 - احساس درد‌های غیر قابل تحمل در صورت قادر بودن به رابطه جنسی.
 - مشکلات نازایی، خطرات و مشکلات ناشی از حاملگی و به خصوص زمان زایمان.^۱
- منابع تاریخی کمی درباره‌ی اینکه منشأ عمل قطع آلت تناسلی زنان کجاست و از کی آغاز شده است، وجود دارد. برخی خاستگاه جغرافیایی رسم ختنه‌ی زنان را «دره‌ی رود نیل» در مصر باستان می‌دانند و گمان می‌کنند که این رسم بعدها به نواحی اطراف حوزه‌ی رود نیل و شمال شرق و غرب آفریقا گسترش یافته است. مطالعات انجام شده توسط دکتر شاندا^۲ (۱۹۶۷) نشان داده است که تعداد زیادی از مومیایی‌هایی که در مصر کشف شده‌اند، ختنه شده می‌باشند. مورخ یونانی هرودت^۳ وجود این رسم را در بین مصریان باستان در سال پنجم قبل از میلاد گزارش کرده است. هرودت همچنین گزارش می‌دهد که رومی‌ها، اتیوپی‌ها و فنیقی‌ها نیز قطع آلت تناسلی زنان را انجام می‌دادند. در مقابل برخی از مورخین دیگر پیشینه‌ی تاریخی ختنه‌ی زنان را به قوم یهود نسبت می‌دهند و معتقدند که ختنه‌ی زنان ابتدا در بین آنها دیده شده است و نوعی عمل مذهبی و یا حتی نوعی قربانی دادن در راه خدا بوده است. استرابون، جغرافیدان یونانی (۱۶ میلادی) بر این عقیده است که: «یکی از رسوم که در میان مصریان غیورانه ادامه یافته است و اکنون نیز

^۱ - عوارض و صدمات ناشی از عمل قطع آلت تناسلی زنان به تفصیل در نخستین گفتار از فصل اول بخش نخست شرح داده شده است.

^۲ - یکی از باستان‌شناسان معاصر است که بیشتر تحقیقات وی معطوف به آهرام ثلاثه است.

^۳ - هرودت (۴۸۴ - ۴۲۵ پیش از میلاد)، نخستین تاریخ‌نگار یونانی زبان است که آثارش تا عصر حاضر باقی مانده است. نوشته‌های او شامل نه کتاب است و از این جهت آن را در تاریخ «نه کتاب» می‌نامند و هر یک از کتاب‌های او به نام یکی از ارباب انواع یونان کهن است.